تقویم

امجدیه- علی پروین- طلسم‌شکنی

خوشامدگویی به مهر طلایی و یکشنبه سیاه!

■ مهرماه در طول تاریخ برای فوتبال ما، ماه خاصی است. ماهی که سوژه‌های تاریخی فوتبال در آن رخ داده است، شاید مرور فوتبال ما در ۷۰سال اخیر بتواند همه را مجاب کند که به‌هرحال، مهرماه با بقیه ماه‌های خدا در فوتبال متفاوت است.

۱۵ مهر ۱۳۱۷

هادی طاووسی یکی از بهترین مردان تاریخ فوتبال ما بود. دروازه‌بان سابق شاهین و پرسپولیس، به جز آنکه بالاترین مقام اداری تاریخ را بین تمام اهالی ورزش دارد، در سال ۱۳۵۹ هم رییس فدراسیون فوتبال شد و به علت مسایلی استعفا داد.

۴ مهر ۱۳۱۸

اولین ورزشگاه معقول و مهم فوتبال، درست ۷۳ سال قبل آماده برگزاری مسابقات شد.

۳ مهر ۱۳۲۵

علی پروین، رکوردار کسب افتخارات، در این روز به دنیا آمد. هیچ‌کس به اندازه علی پروین صاحب عنوان و قهرمانی‌ها در عرصه فوتبال ایران نبوده است.

۲ مهر ۱۳۲۷

نام محمود خوردبین را از این حیث یاد می‌کنیم که او رکوردار طول مدت زمان سرپرستی در یک تیم است.

۲۵ مهر ۱۳۵۴

استادیوم آزادی برای اولین بار در عرصه مسابقات باشگاهی کاملا پر شد و یکصدهزار نفر شاهد بازی بین دو تیم پرسپولیس و استقلال شدند. پرسپولیس با دو گل جهانگیر فتاحی و اسماعیل حاج‌رحیمی‌پور بازی را برد.

اول مهر ۱۳۵۹

فوتبالیست‌های ما در کویت و در جریان جام ملت‌های ۱۹۸۰ بودند که خبر رسید عراق به ایران حمله نظامی کرده است. ستارگان ما بی‌روحیه و کم‌نفس، به کویت باختند تا بعد از سه دوره قهرمانی این بار قهرمانی را از دست بدهند.

۱۶ مهر ۱۳۶۰

اولین بازی رسمی فوتبال بعد از انقلاب بین دو تیم پرسپولیس و استقلال با حضور ۸۰هزار تماشاگر صفر-صفر شد.

۱۵ مهر ۱۳۶۲

بیشترین تعداد رسمی تماشاگر در تمام تاریخ فوتبال ایران در این روز اتفاق افتاد. ۱۳۰هزار تماشاگر که بسیاری از آنها روی دیوار، روی مشعل المپیک، روی پروژکتورها و حتی کنار زمین نشسته بودند! استقلال بازی را یک بر صفر و با گل پرویز مظلومی برد.

۱۷ مهر ۱۳۶۳

بازی پرسپولیس- پاس در امجدیه برگزار شد اما به علت تراکم بیش از حد و بروز ناامنی بازی لغو شد. تماشاگران آشوب به پا کردند و مسابقات تهران در سال ۶۳ عملا تعطیل شد.

۹ مهر ۱۳۶۵

۱۴ بازیکن اصلی تیم‌ملی فوتبال، به‌دنبال اختلاف با مسوولان کادر فنی تیم‌ملی و در اعتراض به رفتار آنها رسما از حضور در تیم‌ملی فوتبال استعفا دادند.

۱۴ مهر ۱۳۶۹

تیم‌ملی فوتبال به دنبال برد ۴ بر ۲ در ضربات پنالتی برابر کره‌شمالی، بعد از ۱۶ سال قهرمان آسیا شد. این، اولین قهرمانی فوتبال بعد از انقلاب بود، ضمن اینکه در این رقابت‌ها کره‌جنوبی و ژاپن را هم بردیم.

۲۶ مهر ۱۳۷۰

تیم پرسپولیس با پیروزی یک بر صفر برابر المحرق بحرین، رسما قهرمان جام در جام آسیا شد. این اولین قهرمانی فوتبال ما در جام بود که البته آخرین هم شد!

۲۷ مهر ۱۳۷۵

طلسم ناکامی پرسپولیس برابر استقلال، بعد از هفت سال شکسته شد و پرسپولیس که از سال ۶۸، حریف را نبرده بود، با گل تاریخی ادموند بزیک برنده دیدار شد.

۱۹ مهر ۱۳۷۷

علی کریمی، ۱۴ سال قبل اولین بازی ملی فوتبالش را برابر کویت انجام داد. کویت بازی را ۳ بر صفر برد.

۱۸ مهر ۱۳۷۸

برابر تیم‌ملی قدرتمند دانمارک در کپنهاگ صفر-صفر کردیم. هادی طباطبایی بهترین سنگربانی عمرش را در این دیدار ثبت کرده و به اسم شیر کپنهاگ ملقب شد.

۲۸ مهر ۱۳۸۰

فاجعه تلخ منامه پیش آمد. ایران که با یک برد به جام جهانی می‌رفت، در یکشنبه سیاه منامه یک بر ۳ بازنده شد.

۱۸ مهر ۱۳۸۳

تیم ملی در حضور یکصدهزار تماشاگر برابر تیم‌ملی قدرتمند آلمان که با تمام ستاره‌هایش به ایران آمده بود ۲ بر صفر باخت. این روز یکی از باشکوه‌ترین روزهای تاریخ فوتبال ما بود.

سایکولوژیست فوتبال

دهداری، اسطوره‌ای که منت نمی‌کشید

تیم‌ملی فوتبال کشورمان باید در بازی‌های آسیایی ۱۹۸۶ سئول شرکت می‌کرد. پرویز دهداری بعد از سال‌ها حاضر شده بود فعالیت حرفه‌ای در مربیگری داشته باشد. بازی‌های آسیایی ۱۹۸۶ سئول همان بازی‌هایی بود که تیم‌ملی در ارکان مدیریتی و بضاعت انسانی، دچار اختلاف شد؛ بازی‌هایی که فوتبال ما را محکوم به استعفای ۱۴ ستاره فوتبال ملی کرد. همه از استعفای ۱۴ ستاره می‌نویسند و از آن یاد می‌کنند در حالی که حوادثی که از بهار سال ۶۵ شروع شده و منجر به جدایی این ۱۴ نفر شد، جذابیت‌های تاریخی‌ای دارد که ما فعلا از آن صرف‌نظر می‌کنیم. منظور اینکه تاریخ فوتبال ما بعضا صاحب مربیانی بوده که هرکدام نسبت به تیمی علاقه داشتند و از آن تیم بازیکنان بیشتری به تیم‌ملی دعوت می‌کرد. تفاوت دهداری با دیگران این بود که او حتی حاضر نمی‌شد از شاهین و پرسپولیس که تیم‌های خودش بودند، بازیکنان بیشتری به تیم‌ملی ببرد. تنها علاقه دهداری به حضور بازیکنان شهرستانی در تیم‌ملی بود. از سال اول بعد از انقلاب رفته رفته عوارض تعطیلی لیگ خودش را به شکل مرگ فوتبال شهرستان‌ها نمایان کرد. تعطیلی لیگ به جز مرگ فوتبال شهرستان‌ها موجب کوچ ستاره‌های شهرستانی به فوتبال تهران شد اما از سال ۶۵ فوتبال شهرستان‌ها با عملکرد دهداری دوباره به راه افتاد. در بهمن‌ماه سال ۶۴ تیم‌ملی فوتبال ما در مسابقات بین‌المللی دهه فجر با تیم‌های قدرتمندی پنجه در پنجه انداخته بود. سرمربی تیم آن روز فریدون عسگرزاده بود؛ مردی که به خاطر اختلاف با مسوولان استعفا کرد. فدراسیون فوتبال این بار سراغ پرویز دهداری رفت. دهداری به شرط آنکه تمام تیم‌های فوتبال ملی از جمله بزرگسالان، جوانان و نوجوانان در اختیار او باشد، هدایت تیم‌ملی را پذیرفت. دهداری فهرست بلندبالایی از مربیان را اعلام کرد تا در تیم‌های ملی مختلف فعالیت کنند. در آن فهرست نام رضا وطنخواه، مهدی مناجاتی، نایب روبین‌دل، بهمن صالح‌نیا، محمد برزمهری و... دیده می‌شد. دهداری تیمی را تحویل گرفت که طی سال‌های ۶۳ و ۶۴ یک ترکیب کلی داشت. در آن دو سال، مردانی چون احمد سجادی، برادران بیانی، پنجعلی، حاجیلو، فنونی‌زاده، درخشان، عربشاهی، ناصر محمدخانی، سیروس قایقران، فتح‌آبادی، چنگیز، علیدوستی، فرشاد پیوس و... در آن بازی می‌کردند. دهداری که صاحب دیدگاه‌های خاص خود بود، با دعوت از نفراتی چون سیامک رحیم‌پور و حسین مسگرساروی سیستم را عوض کرد. در حالی که بسیاری از مردان فوتبال ما در تهران حاضر بودند، او مردانی چون احمد سجادی، مجید رضایی، پنجعلی، حاجیلو، فنونی‌زاده، مسگرساروی، سیامک رحیم‌پور، شاهین بیانی، قایقران، عربشاهی، درخشان، شاهرخ بیانی، ابطحی، نامجومطلق، باوی، یکه، چنگیز، محمدخانی، فرشاد پیوس و فتح‌آبادی را به بازی‌های آسیایی برد. در این تیم مردان دیگری چون حمید علیدوستی، قلعه‌نویی، رضا احدی، جعفر مختاری‌فر، بهروز سلطانی، محمدحسن انصاری‌فرد و... هم می‌توانستند حاضر باشند اما دهداری بی‌توجه به این شش نفر، تیم‌ملی را به سئول برد. آنچنان که می‌دانید، در این تیم ۱۴ بازیکن استعفا دادند و فقط مجید رضایی، مسگرساروی، سیامک رحیم‌پور، قایقران، نامجومطلق و کریم باوی حاضر نشدند ذیل نامه را امضا کنند.

■■■

دهداری با آن شش بازیکن و ستارگان بسیار دورمانده از تیم‌ملی، می‌توانست فوتبال ملی را ترمیم بخشد. در فهرست او، ستارگان زیادی مورد نظر جامعه فوتبال بود. او می‌توانست از بهروز سلطانی، قلعه‌نویی، انصاری‌فرد، احدی، مختاری‌فر و حمید علیدوستی بهره ببرد؛ تیمی که با فهرست اصلی نفراتش و حضور مردان دورمانده از تیم‌ملی، می‌توانست با بهروز سلطانی، انصاری‌فرد، رحیم‌پور، مسگرساروی، نامجومطلق، قایقران، مختاری‌فر، رضا احدی، کریم باوی، قلعه‌نویی و پازوکی به میدان برود.

■■■

دهداری از فهرست آن ۱۴ نفر، سعی زیادی کرد تا مانع استعفای نفراتی چون فرشاد پیوس، شاهین بیانی، مرتضی یکه و ناصر محمدخانی شود اما این چهار نفر نپذیرفتند. دهداری می‌خواست با شش نفر باقیمانده، حضور این سه نفر و استفاده از مردانی که در سئول ۸۶ نبودند، تیم‌ملی موردنیاز خود را شکل دهد. دهداری می‌گفت از فهرست ۱۴نفره استعفا، تنها همین ۱۰ نفر باقیمانده [شامل شش نفری که استعفا نداده بودند و چهار نفر از فهرست استعفا که دهداری خواهان حضور آنها بود] و بالاخره اضافه کردن چند شایسته دورمانده از تیم‌ملی را با آنچه در نظرش بود، یکسان کند. دهداری نفراتی مثل پنجعلی، چنگیز، حاجیلو و درخشان را در پایان خط ملی می‌دید و نفراتی چون احمد سجادی، ضیاء عربشاهی، فتح‌آبادی، فنونی‌زاده و... را هم مازاد فهرست...

■■■

اما اتفاق تازه‌ای افتاد. شاهین بیانی، ناصر محمدخانی، پیوس و یکه دعوت دهداری را پس زدند و از جمع بیرون گود مانده‌ها هم انصاری‌فرد دعوت او را نپذیرفت. دهداری چند نام جوان را هم زیر سر گذاشته بود. او دیده بود که یک دروازه‌بان جوان اصفهانی از همه موفق‌تر است، لذا فهرست آرمانی خود را برخلاف آنچه ما آن را دورمانده‌های دهداری نامیده بودیم، به این شکل ترتیب داده بود: دهداری، شاهین بیانی، مسگرساروی، انصاری‌فرد، مختاری‌فر، قایقران، نامجومطلق، قلعه‌نویی، باوی، پیوس و ناصر محمدخانی.

■■■

محمدخانی، پیوس، یکه و شاهین بیانی به نصایح دهداری گوش نکردند. انصاری‌فرد هم دعوت را نپذیرفت. دهداری که قصد دعوت از سلطانی، انصاری‌فرد، مختاری‌فر، علیدوستی، احدی و... را داشت، به این نتیجه رسید که حالا که با این ترکیب باخت ما در مقدماتی المپیک سئول قطعی است، هیچ‌کس را با سن بیش از ۲۵ سال به تیم‌ملی دعوت نکنیم، به جز مسگرساروی که با عدم استعفا، باید در فهرست می‌ماند.

■■■

تیم تازه دهداری پر بود از نام‌هایی که برای اولین بار ملی‌پوش شده بودند، مردانی مثل زرینچه، صمد مرفاوی، مجتبی محرمی، سیدمحمد علوی، علیرضا اسدی، مهدی فنونی‌زاده و... . وقتی آن تیم در مقدماتی المپیک، ۲بر۱ مغلوب کویتی شد که تیم ستاره‌های ما یک سال قبل برابرش یک بر صفر مغلوب شده بود، دهداری هم دیگر حاضر به دعوت دوباره نبود. به هر حال از آن ۱۴ نفر، اولین کسی که استعفایش را پس گرفت، فتح‌آبادی بود. او به فهرست تیم‌ملی دعوت شد اما بعدا خط خورد تا آرزو کند ای کاش استعفا را پس نمی‌گرفتم. در اوایل سال ۶۷، فنونی‌زاده، احمد سجادی و عربشاهی هم استعفای خود را پس گرفتند. فقط مانده بود ۱۰ نفر که البته با جدایی حاجیلو از فوتبال، فهرست به ۹ نام تقلیل یافت. این بار نوبت دهداری بود که فرشاد پیوس را بدون آنکه استعفا را پس بگیرد به تیم‌ملی دعوت کند. ابطحی هم استعفا پس‌گرفته برگشت تا نام‌ها به هفت برسد. وقتی پروین آمد، پنجعلی، برادران بیانی، درخشان و محمدخانی هم به تیم‌ملی برگشتند. حالا مانده بود یکه و چنگیز که البته آنها هم هیچ‌وقت در استاندارد بازگشت به تیم‌ملی قرار نگرفتند.

نگاهی به جایگاه سرپرستی تیم در باشگاه‌ها

چرا باید پیشکسوت باشد؟

نگاهی به تیم‌های مطرح لیگ فوتبال‌مان خواهیم داشت و موقعیت مقام سرپرستی را بررسی می‌کنیم. سرپرست که روزگاری شرح وظایف او را در سطح مدیر تدارکات می‌دانستند، امروز از حیث جایگاه سازمانی تعریف شده در فوتبال ما، یک مدیر داخلی و نماینده مدیرعامل در تیم است. بالطبع سرپرست مجموعه به خصوص مجموعه پرطرفداری مثل استقلال و پرسپولیس، باید مدیرداخلی تیم ورزشی و واسطه با مدیرعامل باید آدمی شایسته، متشخص، از افراد گروه پیشکسوتان آشنا و دست‌آخر محبوب و مورد توجه مردم باشد. نگاهی به فهرست نفراتی که در استقلال ۱۰ سال اخیر سرپرست یا مدیر درونی تیم بودند حرف ما را اثبات می‌کند. نصراله عبداللهی، منصور پورحیدری، میرشاد ماجدی، غلامحسین مظلومی و در سالیان پیشتر علی جباری، مرحوم محمد رنجبر، حسن حبیبی و ... این مسوولیت را داشتند، چنانچه پرسپولیسی‌ها هم در ۴۰ سال گذشته از خدمات بزرگانی مثل مسعود برومند، مجید حاج‌رضایی، محمود خوردبین، محمد پنجعلی و ابراهیم آشتیانی در مقام سرپرست بهره‌مند بوده است. حتی در تیمی مثل سپاهان شاهد حضور ستارگان قدیمی همین مجموعه مثل مجید بصیرت و رسول خوروش بوده‌ایم، مساله آنقدر ساده است که حتی آلومینیوم هرمزگان هم برای اثبات و احقاق واقعیت تیمی خود، مهدی فلامرزی، ستاره هرمزگانی فوتبال دهه ۷۰ ایران را سرپرست کرده تا شناسنامه فوتبال هرمزگان، هویت داشته باشد و المثنی نباشد. از دوران حضور صفایی‌فراهانی و دادکان در فدراسیون، امیر آصفی، نوآموز، رنجبر و همایون شاهرخی و در اوایل دوران کمیته انتقالی، مهدی مناجاتی مقام سرپرستی را که حالا در فرهنگ فوتبال ما به «مدیر تیم» ارتقا یافته به دست آوردند. در این میان برخی از سنت‌شکنی‌ها، مجموعه تیمی را در سالیان اخیر به تحجر کشانده است. حضور نفراتی مثل کامران منزوی در استقلال، و سعید شیرینی، در پرسپولیس، گواه این حکایت است. گفتیم سرپرست چه کسی باید باشد اما نگفتیم که مردم از مقام سرپرستی در یک تیم بسیار محبوب مثل پرسپولیس چه انتظاری دارند:

۱-مردم دوست دارند سرپرست تیم، یکی از جمع پیشکسوت‌ها باشد. آدمی که در روی نیمکت تشخص معنوی تیم را بالا ببرد.

۲-مردم دوست دارند مدیر اداری روی نیمکت تیم‌شان یک سرپرست خوش‌تیپ، خوش‌بیان و تحصیلکرده باشد تا با وجود او به خود ببالند.

۳- و سرانجام هم مردم، هم مسوولان پرسپولیس دوست دارند ارتباطات بین بازیکن و مربی و نیمکت و داور، به شیوه‌ای جذاب، مودبانه و متین انجام گیرد.

■■■

*پرسپولیس، زادمهر را آورد و سپس صندلی او را به سعید شیرینی داد. چرا؟

علت را نمی‌دانیم اما خوب می‌دانیم که سرپرست به جز آنچه ما از خصوصیاتش نوشتیم و آنچه مردم از وجودش می‌خواهند، یک خصلت دیگر هم می‌تواند داشته باشد. وقتی سرپرست باادب، خوش‌مشرب، خوش‌لباس و تحصیلکرده که حداقل بتواند با یک زبان خارجی ارتباط سرمربی را کنترل کند، وجود داشته باشد، در میان این همه عذاب و دغدغه دیگر، حداقل از دغدغه سرپرست رها خواهیم شد. ما پیشکسوت پرسپولیس نیستیم خدا را شکر هم که نیستیم. وقتی می‌دیدم در این تیم آنقدر آدم موجه برای سرپرستی وجود دارد و از آنها استفاده نمی‌شود دق می‌کنم امروز زادمهر ما را به راه‌آهن‌ها و سایپاها و استیل‌آذین‌ها می‌برند، حسین کلانی ما را سرپرست استیل‌آذین می‌کنند، برای رفتن معینی و آشتیانی‌ها به تیم‌های لیگی سر و دست می‌شکنند اما...

نه به شخصیت شیرینی کار داریم نه به هویتش، او مثل خیلی‌های دیگر با مدیر تازه آمده و با مدیر امروز می‌رود و دیگر حتی یک خاطره محو را در دل مردم و اهالی فوتبال به جای نمی‌گذارد اما آنچه امروز برای تیم می‌ماند مضراتی است که نه به‌دلیل حضور شیرینی بلکه به دلیل غیبت کلانی- زادمهر- پنجعلی و... در تیم می‌ماند و باعث خسران می‌شود. مجموعه‌ای که جزو اموال مردم است را این‌گونه محو می‌کنیم. به قول مدرس: «حالا که بنا به نابودی است چرا خودمان، خودمان را نابود کنیم.» و دست آخر اینکه اگر خاک زمین را بالا و پایین می‌کنیم، برای حاصلخیزی مزرعه پرسپولیس باشد نه تهیه کردن گور یک سمبل تاریخی که پرسپولیس نام دارد. دوستان، به پرسپولیس رحم کنید و دست آخر خواهشی است که از رویانیان داریم، مردی که تمام ابزار موفقیت را در پرسپولیس ایجاد کرده است ولی با این حضور عجیب به ناکامی ذهنی و روانی پرسپولیس کمک می‌کند. جناب رویانیان بزرگوار، اگر مقصود این مکتوبه ساقط کردن سرپرست بود، راه آسان‌تری وجود داشت. مصاحبه با ۵۰ پیشکسوت و درخواست سرداران سابق پرسپولیس برای این بود که بگویند بین زادمهر، خوردبین، آشتیانی و شیرینی کدام شایسته‌تر هستند؟ شما را به خدا، شما را قسم به روح آن امام مقدسی که گفت میزان رای ملت است، تصور می‌کنید این جناب بتواند از بین این ۵۰ یا صد و حتی ۲۰۰ پیشکسوت پنج رای پیدا کند؟ اگر عادل فردوسی‌پور این سوال ما را به عنوان سوال ۹۰ مطرح کند چند درصد به شیرینی رای می‌دهند؟

گزارش

پاسخ مایلی‌کهن به رویانیان

■ انتقادات محمد مایلی‌کهن از عملکرد تیم پرسپولیس در دیدار مقابل نفت تهران، واکنش تند رویانیان را به دنبال داشت که این پیشکسوت پرسپولیس را به عدم‌تعادل محکوم کرد. محمد مایلی‌کهن در این خصوص به مهر گفت: متاسفانه کسی که فرق توپ و هندوانه را نمی‌داند به خاطر خودشیفتگی و عشق شهرت خود را متخصص و متعادل می‌داند و من را به نداشتن تعادل متهم می‌کند و عجب اینکه‌میلیاردها تومان از پول مردم این کشور را به هدر داده است و پای مربیانی ریخته که تا به حال تیم نتوانسته است، نتیجه بگیرد. وی در ادامه افزود: متاسفانه تیم ریشه‌دار و پرطرفدار پرسپولیس فصل گذشته در رتبه دوازدهم جدول ایستاد و وعده داد که این فصل چه‌ها خواهد کرد، چون فصل گذشته خودش تیم را نبسته بود. این فصل را هم دیگر همه می‌بینند وضعیت تیم چگونه است. سرمربی پیشین تیم‌ملی فوتبال کشورمان خاطر نشان کرد: آیا غیر از این است که همه اینها ناشی از مدیریت این آقای متعادل است؟! متاسفانه هنوز چیزی از فصل نگذشته است، وعده فصل دیگر را می‌دهد! مایلی‌کهن افزود: رویانیان نمی‌خواهد بپذیرد که ورزش به‌ویژه فوتبال به عنوان یک ابرورزش پادگان نیست که بتواند با توپ و تشر همه چیز را برای مدتی آرام نگه دارد. وی همچنین یادآور شد: رویانیان تا چندی پیش عنوان می‌کرد مایلی‌کهن سر ما خراب شده که بیاید و تیم پرسپولیس را بگیرد. از آنجایی که آدم‌هایی که راست نمی‌گویند کم‌حافظه هستند، دیروز مدیرعامل پرسپولیس در اظهارنظری متفاوت گفته است، مایلی‌کهن چون در ابتدای فصل جلالی را به من پیشنهاد کرده بود و نپذیرفتیم از ما ناراحت است. خدا را شکر مشخص شد، به گفته ایشان من برای خودم کاری نکردم و به دنبال حضور شخصی دیگر در پرسپولیس بوده‌ام. آیا این پیشنهاد، پیشنهاد بدی بوده است؟ مایلی‌کهن تصریح کرد: یک‌بار به رویانیان گفتم و بازهم یادآور می‌شوم که در ورزش به‌خصوص در فوتبال بیش از جاهای دیگر نیاز به تخصص و حتی سوپرتخصص احساس می‌شود و هر کسی نمی‌تواند بدون هیچ‌گونه پیشینه تجربی، تحصیلاتی و صرفا به دلیل خودشیفتگی و عشق شهرت بیاید و در این عرصه مدیریت کند. وی افزود: رویانیان شاید در جاهای دیگر آن هم به دلیل آن که تابلوی نتایجی نبوده است، احساس کند آدم موفقی بوده اما به هیچ عنوان این‌طور نیست. بدون شک اگر در جاهای دیگر هم تابلویی وجود داشت و نتایج را نشان می‌داد شرایطش به مراتب بدتر از فوتبال و ورزش بود اما به دلیل نبودن تابلوی نتایج ایشان می‌تواند برای کارهای گذشته خود هر تعبیری را به کار ببرد. این پیشکسوت فوتبال ایران خاطرنشان کرد: رویانیان باید بدانند که در ورزش شهرت وجود دارد اما یقین بدانند که بعد از مدتی تمام می‌شود. ایشان که امروز به شهرت خوبی رسیده است، ورزش را رها کند و برود.

جدول ۱۶۰۵

افقی:
۱- اثر ریچارد رایت- وسیله‌ای برای بالا رفتن ۲- اسب بارکش- همسر کیکاووس- پراکنده کردن ۳- در حال لنگیدن- پسر مازندرانی- متداول ۴- دریا- کلام حسرت- نفس چاق- گیاه رنگرزی ۵- برادر حضرت موسی (ع)- تاکنون ۶- انجیر- ملیح- تنها و یگانه ۷- رو انداز تابستانی- منبسط شدن- آدرس ۸- فریاد تشویق- اثر اسکار وایلد- سرباز تکاور ۹- شغل وزیر- شتر گاو پلنگ- کوزه ۱۰- اصلحه- نژاد و تبار- پدر آذری ۱۱- برتر- دیر نشین ۱۲- درویش- بی‌حس- روغن عرب- مخفف گاه ۱۳- گوزن ایرانی- داخل نیست- بد اخم ۱۴- قصد و آهنگ- مقام الهی- سخت و محکم ۱۵- شکایت‌کننده- شاخه‌ای از علم دندانپزشکی

عمودی:
۱- سابق- جمع شهر- زیبا ۲- مریض نیست- ماه مرداد- نویسنده آمریکایی خالق «موبی دیک» ۳- خدای من- امتزاج آب با جسمی- مساله دقیق ۴- اطفال- کشتی تاریخی فیلیپ دوم ۵- آتش- کوره نان پزی- ضمیر اشاره ۶- بله بیگانه- شهری در خوزستان- مظهر زیبایی طبیعت- بهشت ۷- محل تولد حضرت ابراهیم (ع)- تازه بنا شده- زبانه آتش ۸- پیشکش- جوجه تیغی- رئوس ۹- بیماری پوستی- جمع عنصر- نوعی پوست دباغی شده ۱۰- سوره ۷۸- دل آزار کهنه- تنگدستی- عید ویتنام ۱۱- راه میانبر- جاری- اراده قوی ۱۲- روز قیامت- فیلسوف اندلسی ۱۳- از اساتید بزرگ موسیقی ایران در صد سال اخیر- آگاهانه- رفتن ۱۴- لانه حیوانات- جمع نجیب- روغن صنعتی ۱۵- نام مادر حضرت مهدی (عج)- تابع- پیرو دین موسی(ع)

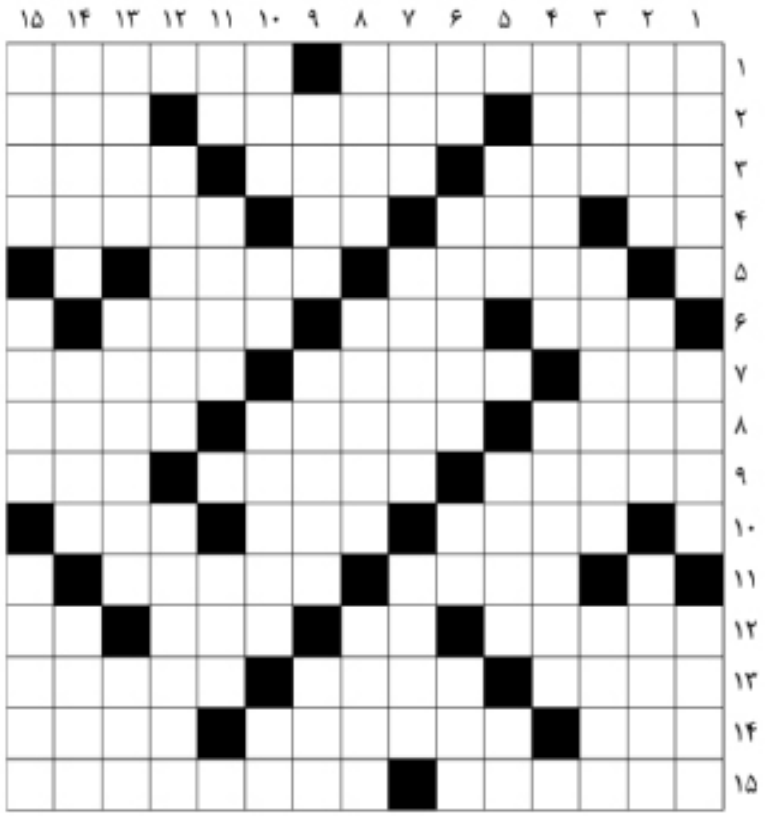

حل جدول ۱۶۰۴

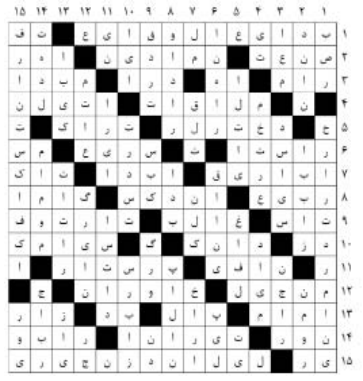

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

سودوکو ۶۰۹

	۶	۵	۸					۴
		۹	۴		۳		۶	
۳		۴	۶				۸	
۴		۷		۱	۲	۸		
۱	۵		۳		۶			۹
	۳			۹		۴	۱	۵
۹		۱	۲		۷		۵	
۵	۲					۹	۷	۸
۷					۵	۲		

حل سودوکو ۶۰۸

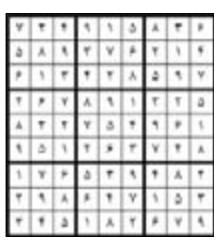

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

سودوکو سخت ۲۵۹

			۵			۳		
۱	۶			۳		۴		
		۹			۷	۴	۱	
۴						۸		
۸	۹		۷			۲		
		۶		۵		۹		۳
			۱		۳	۶	۸	
			۲				۷	
۶		۸	۹	۷				
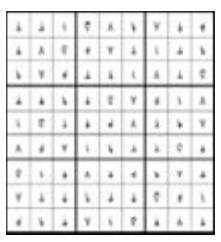
حل سودوکو سخت